



نگاهی به پرورنده تروریسم و یادی از فاجعه هفتم تیر سال ۶۰ تابستان پر ماجرا

تابستان سال ۶۰ مقطعی پر آشوب و بحرانی در تاریخ ایران است که در میان وقایع پیش و پس از خود قطعه‌ای نرسوت‌ساز را می‌سازد. آن فصل گرم با بوی خون و صدای بمب و اخبار درهم ریخته سیاسی همراه بود. زمانی که هر روز در گوشه‌ای از کشور عده‌ای کشته می‌شدند و هر ناشناسی یا فرد مشکوکی در محل کار و خیابان می‌توانست یک دشمن جدی باشد. گروه‌های مخالف مسلح با قریب جوانان و جذب آنها نقش اصلی را در دامن زدن به خشونت‌ها ایفا کردند و چرخه‌ای بزرگ ...

صفحه ۱۲

دوشنبه ۷ تیر ۱۳۸۹ | ۱۵ رجب ۱۴۳۱ | ۲۸ ژوئن ۲۰۱۰

تیتیرها

گروه هشت از ایران درخواست کرد

مذاکره شفاف

در مساله هسته‌ای

صفحه ۲

لغو مراسم سالگرد

شهیدان بهشتی و منتظری

جام جهانی فوتبال

هولند-اسلوایک(ساعت۱۸/۳۰،مرحله یک‌هشتم‌نهایی)

شیلی-برزیل (ساعت۲۳، مرحله یک‌هشتم‌نهایی)

نتایج دیروز

انگلیس ۱- آلمان ۴

آرژانتین - مکزیک

در صفحات بخوانید

آواز ه‌خوان
نه آواز
قطب‌الدین صادقی

صفحه آخر

استوره‌ها در
آینه هنر های تجسمی
خسرو ناقد

صفحه ۱۰

هنر
سفر ش‌پذیر نیست
گفت‌وگو با حسین حمیدی

صفحه ۱۱

عجب اوضاعیه

واقعاً من چه کارهام

احمد غلامی

یه آقایی آمد دم در روزنامه موهایی جوگندمی داشت، لاغر و قدبلند بود. گفت: «بنا آقا-ی». کار دارم. گفت: «اینجا نیس». گفت: «منکه از زندان نیومده مرخصی؟» گفت: «چرا شنیدم اوسده ولی با ما ارتباط کاری ندارم.» گفت: «می‌تونن آدرس خونش رو به من بدی؟» گفت: «آدرش رو ندارم، همین جوری بدم خودم برم.» گفت: «عکسشو رو دیدی؟» گفت: «آره تو اینترنت دیدم. خیلی لاغر شده بود.» گفت: «شما باهاش آشنا هستین؟» گفت: «آره از روزنامه. باش آشنا شدم. خیلی آدم سالم و باحالیه.» گفت: «شما می‌شناسیدش؟» گفت: «نه وقتی زندان بودم به خانوادمم خیلی محبت کرده.» گفت: «به خدا من تلفنش رو ندارم، آدرش رو هم بلد نیستم.» گفت: «عیبی نداره.» گفت: «شماره‌تون رو بدین بگم رنگ برنه.» گفت: «نه ولش کن قسمت نبودم.» گفت: «اسم شما؟» گفت: «چه اهمیتی داره ولش کن. اصلاً پشیمون شدمم اوومدم.» گفت: «چرا؟» گفت: «اوومدم اینجا بیمنش وقتی دیدم اینجا نیس دیگه از خیرش گذشتم.» سکوت کردم. گفت: «چرا مقاله یا عکسی ازش چاپ نمی‌کنین؟» گفت: «منجیشه.» گفت: «با این همه محافظه‌کاری که می‌کنین دست آخر روزنامه‌تون رو ببینند که براتون سنگین تموم می‌شه.» گفت: «ما کار خودمون رو می‌کنیم. تاریخ با ما شلرود نشده و با ما هم تموم نمیشه.» گفت: «پس رسالت شما چیه؟» گفت: «چرخوندن این چرخ تا جایی که زورمون برسه، هر جا زورمون نرسید ولش می‌کنیم.» گفت: «مراقب باش به عقب نچرخونی.» گفت: «از اونجا که شما وایسادی قطعاً ما به عقب می‌چرخونیم و از اونجا که خودمون وایسادیم به جلو.» گفت: «واقعاً شرم‌آور، برای هر کاری توجیه پیدا می‌کنین؟» گفت: «بله.» گفت: «بیخشین عصبانی شدم، شخصیت محافظه‌کار شما آزارم میده.» گفت: «شما اولین نفری نیستین که اینو به من می‌گه.» گفت: «توی این اوضاع محافظه‌کاری، میشه عافیت‌طلبی.» گفت: «محافظه‌کاری در برابر چی؟» گفت: «حقیقت؟» گفت: «ترجیح میدم به جای حقیقت راه درست رو برم حتی اگه به حقیقت نرسم.» گفت: «پنهانس.» می‌ترسین.» گفت: «از چی؟» گفت: «از اذ دست دادن حقوق ماهیانه.» گفت: «خدا قسمت کنه شما هم حقوق بگیر بشین.» خندیدم، نازحت شد. فکر کردم می‌خواهم دستش ببینارم. با عصبانیت گفتم: «شما آدم ریاکاری هستین. وقتی نمی‌تونن کار کنی لزومی نداره کاغذ سیاه کنین.» گفت: «ما فکر می‌کنیم میشه تا حدودی کار کرد.» و با انگشت شست و سیابه اندازه کوچکی را نشان دادم. دست دراز کرد با او و گفت: «ببین.» این روزها خیلی فاطمی و عصبانی‌ام. می‌شد. توی دلم گفتم «خدا یا عجب اوضاعیه.» نمی‌دانستم چرا باید این همه توهین را تحمل کنم. بغض گرفته بودم.وقتی مرد رفت راه افتادم بروم تحریری که یک نفر صدایم زد: «آقا.» آقا بر گشتم. باز خوش بود. توی دلم فکتم: «با حسین حسین بر گشتم.» آمد جلو. مرا در آغوش گرفت و فشار داد و گفت: «چرا حرف زدم، بیخشین. این روزها خیلی فاطمی و عصبانی‌ام. به دل نگیرین.» سکوت کردم. دسته گل پُر زده‌ای را که معلوم بود پشت شیشه ماشین آفتاب خورده و پالسیده شده جلویم دراز کرد و گفت: «روزتون مبارک.» متوجه نشدم چه می‌گوید. حاج و حاج نگاهش کردم.

روزنامه

تاکید آیت‌الله لاریجانی بر استفاده از جمله تاریخی

مدرس در صورت پیروزی بر مفاصد اقتصادی

زنده‌باد خودم

سران سه قوه در همایش قوه قضائیه گرد هم آمدند

گروه سیاسی: یک هفته پس از آنکه اجلاس سران سه قوه بدون هیچ توضیحی لغو شد، روز گذشته برادران لاریجانی و احمدی‌نژاد در همایش سراسری قوه قضائیه شرکت کردند تا سران سه قوه پس از هفته‌ای پر افت و خیز دور هم جمع شوند. تصویب طرح حمایت از موسسات آموزش عالی غیردولتی در مجلس و رای دادگاه به نفع هیات مؤسسن دانشگاه آزاد به خاطر شکایت از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در هفته گذشته باعث شد از سویی نمایندگان حامی دولت در اعتراض به مصوبه قوه مقننه مقابل مجلس تجمع کنند و در آن تجمع شعارهایی علیه رئیس مجلس مطرح شد. از سوی دیگر با نامه غلامحسین محسنی‌آزای به رئیس قوه قضائیه و درخواست اعمال ماده ۱۸، رای دادگاه در مورد پرونده دانشگاه آزاد مورد بررسی مجدد قرار گرفت. پس از آن بود که مقام معظم رهبری در دیدار با استادان بسیجی بر لزوم حفظ وحدت تأکید کردند. به هر روی روز گذشته سران سه قوه در اجلاس قوه قضائیه با محوریت قوه قضائیه، همت و کار مضاعف در مبارزه با مفاصد اقتصادی دور هم جمع شدند و در این همایش شرکت کردند. به این ترتیب این همایش با حضور سران لشکری، کشوری و مقامات قضایی در حالی برگزار شد که از یک سو آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی در رأس این قوه‌و ضمن اعلام پرونده‌های متعدد در قوه قضائیه در خصوص مفسدان اقتصادی از مقاومت‌هایی که در این راستا وجود دارد لب به شکوه گششاید و بر این نکته تأکید ورزد که اگر در راه مبارزه با مفاصد اقتصادی تنها شوم، باز هم ادامه خواهم داد و از دیگرسو علی لاریجانی رئیس قوه مقننه نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داد که «چالش‌های بیرونی قوه قضائیه در دوره فعلی بیشتر از چالش‌های درونی است چراکه به گفته وی مزه استقلال قوه هنوز چشیده نشده است. از همین رو وی تأکید کرد: «یک مسوول باید با افتخار در دادگاه حاضر شود.» اگرچه علی لاریجانی چالش‌های بیرونی قوه قضائیه را در دوره فعلی بیشتر از بیرونی دانست اما محمود احمدی‌نژاد برخلاف نظر

گزارش

روایت هاشمی‌رفسنجانی از حادثه هفتم تیر با بیان خاطر‌های از شهید بهشتی

بهشتی گفت آسیاب به نوبت

گروه سیاسی: روز گذشته هاشمی‌رفسنجانی با انتشار یادداشتی در پایگاه شخصی‌اش به روایت حادثه هفتم تیر پرداخت. به گزارش فارس وی نوشت: «۲۹ سال پیش، بعدازظهر روز هفت تیرماه در لحظات پایانی یک جلسه طولانی شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در سرچشمه تهران که درباره مسائل جنگ و انتخاب وزیر امور خارجه بود و بسیاری از دوستان و مسوولان آن روز به‌ویژه دو همسنگر دیرینم آیت‌الله دکتر بهشتی و آیت‌الله دکتر باهنر حضور داشتند، خبر آوردند که حال همسنگر دیگرمان آیت‌الله خامنه‌ای که روز قبل در یک بمبگذاری در مسجد ابوتر جبروح شده بود، وخیم است. در یک آن چشمم با چشمان شهید بهشتی تاقی کرد و عمق ناراحتی را در وجودشان دیدم. جلسه به پایان رسید و پس از مشورت، قرار – که در آن لحظات تقدیر بود- بر این شد که من بر بالین جبروح در بیمارستان بروم...وخت‌حال آیت‌الله خامنه‌ای به‌گونه‌ای بود که همه چیز را فراموش کرده بودم و تمام فکر و دگریم به کارهای پزشکی‌مطوف بود که برای کم کردن آلام ایشان تلاش می‌کردند. با اینکه با حاج‌احمدقادر از منزل قرار داشتیم، دیروقت در منزل رسیدم و دیدم ایشان منتظر نشسته است. بحث درباره انتخابات ریاست‌جمهوری بعد از عزل بنی‌صدر بود. نمی‌دانم چقدر گذشت که صدای

نکته.

با همه سفارشات‌ی که از پیرو مراد خویش داشتم، شاید به خاطر دل‌تنگی‌های زمانه سعه صدر سابق را نداریم. دشمنان ما وسیع‌تر شده‌اند، اما دایره دشمن‌شناسی ما محدود شده است. دشمنان دوست‌نما در رخ‌نه کرده‌اند و روزمرگی ما را به اضطراب واداشته است.



نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.

نکته.